

درس اول

معرفت آفریدگار



فارسی ششم دبستان

علوی

درس اول معرفت آفریدگار



معرفتِ آفریدگار

درس اول



فارسی ششم دبستان

علوی

درس اول معرفت آفریدگار



این همه خلق را که شما بینید، بدین چندین بسیاری، این همه را خالقی است که آفریدگار ایشان است و نعمت بر ایشان از وی است. آفریدگار را نباید پرستیدن و بر نعمت او سپاس داری باید کردن.

اندیشه کردن اندر کارِ خالق و مخلوق، روشنایی افزایش اندر دل و غفلت از این و نااندیشیدن، تاریکی افزایش اندر دل و نادانی، گمراهی است.

ابوعلی بلعمی، تاریخ بلعمی

هر موجودی که در جهان می بینید، آفریننده ای دارد که روزی دهنده ی اوست و آن پروردگار جهان است. آفریدگار را باید به سبب نعمت هایی که به ما داده، بپرستیم و از او سپاسگزاری کنیم. با تفکر در کار جهان آفرینش و خداوند، قلب ما روشن می شود. اگر به کار آفرینش، بی توجه باشیم، به گمراهی کشیده می شویم.



باز به گردون رسید، ناله‌ی هر مرغِ زار

ناله‌ی موزونِ مرغ، بوی خوشِ لاله زار

بلبل و قمری چه خوانند؟ یادِ خداوندگار

هر ورقش دفتری ست، معرفتِ کردگار

بادِ بهاری وزید از طرفِ مرغزار

خیز و غنیمت شمار، جنبشِ بادِ ربیع

هر گل و برگی که هست، یادِ خدای کند

برگِ درختانِ سبز در نظرِ هوشیار



فارسی ششم دبستان

علوی

درس اول معرفت آفریدگار



• ربیع: بهار

• موزون: آهنگین، دارای وزن

• لاله زار: جایی که لاله فراوان می روید

• قمری: نوعی پرنده کوچکتر از کبوتر

• هوشیار: باهوش، عاقل

• دفتر: در این شعر منظور کتاب است

• معرفت: شناخت، دانش

• کردگار: آفریننده، خالق

• خلق: مردم، انسان، آفریده

• مخلوق: خلق شده، آفریده شده

• خالق: آفریننده، به وجود آورنده

• پرستیدن: عبادت کردن، ستایش کردن

• سپاس داری: سپاس گذاری، شکرگزاری

• غفلت: بی خبری، فراموشی کردن

• مرغزار: چمنزار، سبزه زار

• گردون: آسمان

• زار: ناتوان، نالان

• خیز: برخیز، بلند شو

• غنیمت شمردن: قدر فرصت را دانستن

• جنبش: حرکت و تکان





فضل: فاضل، فضیلت، فضول

تعالی: عالی، علی، اعلا، متعالی

نظر: منظور، نظارت، انتظار، منظره، مناظر

مخلوق: خَلق، خالق، خلقت

غفلت: غافل، اغفال (فریب دادن)

موزون: وزن، وزنه، متوازن، موازنه

معرفت: عارف، عرفان، تعریف، تعارف



معنی شعر: باد بهاری وزید

باز به گردون رسید، ناله ی هر مرغ زار

باد بهاری وزید از طرف مرغزار

معنی بیت: باد بهاری از سمت چمنزار شروع به وزیدن کرد و دوباره آواز مرغان (پرنندگان) تمامی دنیا را پر کرد.

قافیه: مرغزار / مرغ زار فعل: وزید / رسید نهاد: باد بهاری / ناله ی هر مرغ زار

ترکیب وصفی: باد بهاری / مرغ زار ترکیب اضافی: طرف مرغزار / ناله ی مرغ تعداد جمله: ۲ جمله

حرف اضافه: از، به

آرایه: تشخیص (ناله ی مرغ)

کنایه (به گردون رسید: کنایه از منتشر شدن صدا)

تناسب (کلمات بهاری، مرغزار، گردون، مرغ زار)

مفهوم: آمدن بهار و آواز خواندن پرنندگان



فارسی ششم دبستان

علوی

درس اول معرفت آفریدگار



خیز و غنیمت شمار، جنبش باد ربیع

نالہ ی موزون مرغ، بوی خوش لالہ زار

معنی بیت: بلند شو و از وزیدن باد بهاری، آوای زیبای پرندگان و بوی خوب و خوش گلستان لالہ ها استفاده کن و این ها را ارزشمند بدان.

تعداد جمله: (۲ جمله)

قافیه: لالہ زار

فعل: خیز / غنیمت شمار (امری)

مفعول: جنبش / نالہ / بو

ترکیب اضافی: جنبش باد / باد ربیع / نالہ ی مرغ / بوی لالہ زار

ترکیب وصفی: نالہ ی موزون / بوی خوش

نهاد: برای هر دو فعل "تو" (محدوف)

آرایه: تناسب (مرغ، نالہ، ربیع، باد)



بلبل و قمری چه خواند؟ یاد خداوندگار

هر گل و برگی که هست، یاد خدا می کند

معنی بیت: هر شاخه ی گل و حتی يك برگ هم ستایش خداوند را می کنند. بلبل و قمری در هر آواز و آوای خود چه می خوانند؟ آن ها خدا را ستایش می کنند و ذکر او را می گویند.

تعداد جمله: (۴ جمله و یک فعل حذف شده)

نهاد: جمله ی اول (هر گل و برگ) / جمله ی دوم (او) / جمله ی سوم (بلبل و قمری) / جمله ی چهارم (بلبل و قمری که حذف شده)

مفعول: یاد خدا / یاد خداوندگار فعل محذوف

ترکیب اضافی: یاد خدا / یاد خداوندگار

آرایه: تناسب (گل، برگ، بلبل، قمری) / تشخیص (گل، برگ، بلبل، قمری یاد خداوندگار می کند) / تلمیح (اشاره به آیات قرآن)

بیت سوم تلمیح.سوره ی جمعه آیه ی یک. / مراعات النظیر گل برگ بلبل قمری



برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفتری ست، معرفت کردگار

معنی بیت: برگ درختان سبز در نگاه انسان باهوش و خردمند مانند همان کتابی است که در آن شناخت خداوند بیان شده است.

تعداد جمله: (۱ جمله "است" حذف شده)

معرفت: شناخت

معرفت کردگار: شناخت خداوند

قافیه: کردگار

ترکیب اضافی: برگ درختان / نظر هوشیار / ورقش / معرفت کردگار

ترکیب وصفی: هر ورق / درختان سبز

آرایه: تناسب (ورق، دفتر، برگ، درخت) // تشبیه (مشبه "برگ درختان سبز"، مشبه به "دفتر معرفت"، وجه شبه

"شناخت خداوند"، ادات تشبیه حذف شده)



از بزرگ ترین شاعران و نویسندگان ایران در قرن هفتم هجری است. آموزش های مقدماتی را در زادگاه خود، شیراز، فراگرفت و برای اتمام تحصیلات به بغداد رفت. وی پس از ۳۵ سال به شیراز بازگشت.

آثار: گلستان (به نثر همراه با شعر) که حاصل تجربیات او در سفرهاست، بوستان (به شعر)

موضوع آن، اخلاق، تربیت، سیاست و اجتماعیات است.





از نویسندگان تاریخ زبان و ادب فارسی در قرن چهارم هجری بود و روزگاری را به وزارت سامانیان، سپری کرد.
اثر: ترجمه ی تاریخ طبری به زبان فارسی





از عارفان مشهور ایرانی در قرن هشتم است که نوشته ها و سروده هایی در
زمینه ی عرفان اسلامی دارد.
اثر: گلشن راز که در قالب مثنوی سروده شده است.



درک مطلب

در شعری که خواندید، بلبلی و قمری چه می‌خوانند؟

بلبلی و قمری در آوازهایشان یاد خداوندگار می‌کنند و ستایش و ذکر پروردگار را به جا می‌آورند.

برداشت شما از بیت برگ درختان سبز در نظر هوشیار هرورقش (فقریت معرفت کردگار چیست؟

در نظر انسان‌های عاقل و آگاه، حتی گیاهان و برگ درختان سبز هم مانند یک کتاب است که به آن نگاه می‌کنند و نشانه‌ای برای عظمت و شناخت قدرت خداوند در آفرینش پیدا می‌کنند.



درک مطلب

به نظر شما بلعمی بر چه چیزی تأکید دارد؟ دلیل خود را بیان کنید.
عبادت خدا و به جای آوردن شکر نعمت های او و همچنین اندیشیدن درباره ی هستی.

به این دلیل که ابوعلی بلعمی، خداوند را آفریننده ی جهان (و هرآنچه در آنست) معرفی کرده است و وظیفه ی ما را در برابر پروردگار، پرستش او و شکر نعمت هایش می داند. بلعمی تأکید کرده برای این که دلمان روشن شود، باید در مورد آفرینش هستی فکر کنیم و از غفلت بپرهیزیم.

چه تفاوتی بین عبارات انسان ها با دیگر موجودات است؟

انسان ها از روی آگاهی، به انتخاب خودشان و به شکل های مختلف عبادت می کنند ولی سایر موجودات از روی غریزه و مانند هم عبادت می کنند؛ مثل آواز خواندن پرندگان.



جمله



يك يا چند واژه كه در کنار هم، قرار گرفته و پیامی را از گوینده به شنونده یا از نویسنده به خواننده، منتقل می کند. مهم ترین بخش هر جمله، فعل است و معنی جمله به وسیلهی فعل، کامل می شود.

مثال: باد بهاری وزید.
فعل



اگر، «وزید» را حذف کنیم، جمله، ناقص می شود.



فارسی ششم دبستان

علوی

درس اول معرفت آفریدگار



انواع جمله:

جمله ها از نظر طرز بیان و چگونگی رساندن پیام، متفاوت هستند که عبارت اند از:

- (۱) جمله خبری (۲) جمله امری (۳) جمله پرسشی (۴) جمله عاطفی

۱- جمله خبری: انجام کار یا روی دادن حالتی را در زمان و توسط شخص معین، به صورت منفی یا مثبت خبر می دهد.

احمد به خانه رفت. من به خانه نمی روم.

مثال:



هوا خیلی سرد است. هوا خیلی سرد نشد.

مثال:



نکته: در پایان جمله امری نقطه می گذاریم.



۲- جمله امری: به جمله ای گفته می شود که در آن انجام کاری به صورت مثبت یا منفی و یا پذیرفتن حالتی به

صورت مثبت یا منفی را از کسی خواهیم.

این کتاب را بخوان.

مثال:



به خرید بروید.

مثال:



نکته: اگر جمله ای نهی هم باشد، در انواع جمله آن را امری حساب می کنیم.

لباسهایت را بپوش. (جمله امری مثبت)

مثال:



از اتاق بیرون بروید. (جمله نهی یا امر منفی)

مثال:



۳- جمله پرسشی: به جمله ای گفته می شود که در آن، درباره کار یا موضوعی و یا حالتی پرسش به عمل می آید.

آیا امروز خانه را تمیز می کنی؟

مثال:



در پایان جمله پرسشی علامت پرسش «؟» قرار می دهیم.

نکته:

در جملات پرسشی یا کلمات پرسشی مثل «آیا، چگونه، کدام، چطور ...» و یا لحن پرسشی به کار می رود.

نکته:

(با کلمه پرسشی): کدامین روز منتظرت باشم؟

مثال:



(با لحن پرسشی): منتظرت باشم؟

مثال:



جمله ی عاطفی یا تعجبی: یکی از احساسات و عواطف ما، مانند خوشحالی، غم، حسرت، عصبانیت و ... را نشان می دهد و در پایان آن، علامت تعجب (!) می آید.

مثال: چه هوای خوبی!

نکته

در ساختن جملات عاطفی از کلماتی نظیر چه، چه قدر، عجب، کاش و ای کاش، استفاده می شود.

باید توجه داشته باشیم که از «چه» و «چه قدر» در ساختن جملات پرسشی نیز استفاده می شود.

بلبل و قمری چه خواند؟





یکی از شیوه های زیباتر کردن نوشته این است که نویسنده یا شاعر، کلمات مرتبط به هم را در متن، استفاده کند. به این شیوه، «تناسب» یا «مراعات نظیر» می گویند.

همدم گل نمی شود یاد سمن نمی کند

سرو چمان من چرا، میل چمن نمی کند

مثال:



در این مثال، «حافظ» از واژه های «سرو، چمن، گل و سمن» استفاده کرده که همه مرتبط بوده و از مجموعه ی گیاهان هستند. شاعر با کاربرد این واژه ها، سبب به وجود آوردن نظم خاصی در شعر شده است.



کارگاه نویسندگی

هنگام نوشتن خوب است به نکات زیر توجه کنیم

۱- از کاربرد واژگان گفتاری و شکسته خودداری کنیم.

۲- از تکرار کلمات بپرهیزیم.

۳- ساده و خوانا بنویسیم.





دو دوست، پیاده از جاده‌ای در بیابان عبور می‌کردند. بین راه بر سر موضوعی اختلاف پیدا کردند و به مشاجره پرداختند. یکی از آنها از سرخشم بر چهره‌ی دیگری سیلی زد. دوستی که سیلی خورده بود، سخت آزرده شد ولی بدون اینکه چیزی بگوید، روی شن‌های بیابان نوشت: «امروز بهترین دوست من بر چهره‌ام سیلی زد».

آن دو کنار یکدیگر به راه خود ادامه دادند تا به یک آبادی رسیدند. تصمیم گرفتند قدری آنجا بمانند و کنار رودخانه استراحت کنند. ناگهان شخصی که سیلی خورده بود، لغزید و در رودخانه افتاد. دوستش به کمکش شتافت و او را نجات داد. بعد از اینکه از غرق شدن نجات یافت، روی صخره‌ای سنگی، این جمله را حک کرد: «امروز بهترین دوستم جان مرا نجات داد».

دوستش با تعجب از او پرسید: «بعد از اینکه من با سیلی تو را آزردم، تو آن جمله را روی شن‌های صحرا نوشتی، ولی حالا این جمله را روی صخره حک می‌کنی؟»

او لبخندی زد و گفت: «وقتی از تو رنجیدم، روی شن‌های صحرا نوشتم تا باد، آن را پاک کند ولی وقتی تو به من محبت کردی، آن را روی سنگ حک کردم تا هیچ تندبادی هم آن را پاک نکند و محبت تو از یادم نرود».



داستان‌های کوتاه از نویسندگان ناشیانه



معنی و خلاصه حکایت محبت

دو دوست صمیمی در کنار هم تصمیم به سفر گرفتن آن دو دوست از کنار یک دشت یا بیابان می‌گذشتند بر سر ماجرای درحال بحث و جدل بودند که یکی از آنان سیلی محکمی به صورت آن یکی زد. کسی که سیلی را خورده بود سریع بنشست و روی شن ها نوشت بهترین دوستم بر من سیلی زد بعد به ادامه ی راه خود ادامه دادند که به مکانی زیبا رسیدند.

هر دو نظر داشتند استراحتی کنند هر دو رفتند بنشینند اما ناگهان کسی که سیلی خورده بود به کناره رودی که از آنجا رد می شد رفت تا کمی آب بنوشد که پایش گیر کرد به سنگ و داخل آب افتاد. دوست اول صدای او را شنید و رفت و او را نجات داد بعد آن دوست دومی بر روی صخره ای جمله ای را حک کرد.

آن جمله این بود، امروز بهترین دوستم مرا نجات داد. دوست اولی از این ماجرا تعجب کرد و گفت چرا هنگامی که بر تو سیلی زدن بر روی شنها حک کردی ولی وقتی که جانت را نجات دادم بر روی صخره اینکار را انجام دادی. دوست دومی پاسخ داد خواستم که بدی هایت را باد پاک کند ولی به روی صخره (سنگ) هیچگاه باد و طوفان و سیل آن را از بین نمی برد، باید جواب خوبی ها را باید بر روی سنگ نوشت تا همیشه بماند.



نتیجه گیری و نتیجه اخلاقی حکایت محبت

از حکایت محبت نتیجه می گیریم که اگر از کسی رنجشی داریم و یا اگر کسی ما را ناراحت کرده، سریع آن را فراموش کنیم. و به جای آن اگر لطف و محبتی به ما شده، اگر کسی به ما عشقی داده، آن را تا ابد در ذهنمان نگه داریم.



فارسی ششم دبستان

علوی

درس اول معرفت آفریدگار



معنی کلمات و لغات حکایت محبت

عبور کردن: گذشتن

مشاجره: دعوا، درگیری، بحث

آزرده: رنجیده، ناراحت

آبادی: روستا، ده

قدری آنجا بمانند: مدتی (زمان کوتاهی) در آنجا بمانند

از سر خشم: به خاطر اینکه خشمگین شده بود

شتافت: در اینجا یعنی دوید

لغزید: سُر خورد

برکه: آبگیر

حک کرد: تراشید

اختلاف: ناسازگاری

صخره: سنگ بزرگ و سخت

